

برنارد شاو

❖

ژاندارک

شاهکار برنارد شاو

❖

ترجمه: پرویز مُزینی



مقدمه مترجم

پیش از آنکه از زندگی عادی و روزانه و تاریخ تولد و مرگ نویسنده‌ای گفتگو به میان آید، باید او را شناخت؛ افکار و آثار او را عمیقانه بررسی نمود و محک زد و قضاوتی شایسته ابراز داشت؛ و اگر احراف و یا هنری در کار است باید آن را با تحولاتی که در اجتماع رخ داده است مربوط دانست و سرانجام کار نویسنده را زاییده و محصول جامعه شمرد و از این تحقیق نتیجه‌ای نیکو برگرفت.

کار تذکره‌نویسی نیز جز این پژوهش و تحقیق نیست. ماجراهای عاشقانه را به هم بافتن و دل نویسندگان را در گرو آن ماجراها سپردن دیگر چنگی به دل نمی‌زند و اگر روزی خوشایند بوده، لااقل امروزه چنین نیست.

قضاوت بر روی کارهای برناردشاو در میان مردم مغرب زمین سال‌هاست که صورت پذیرفته، کمتر کسی است که او را نشناسد و با

گفتارهای طنزآمیز و شوخ او که زاینده افکار بلند و روح عاصی و سرکش این نویسنده ایرلندی است آشنا نباشد. اما در میان ما «شاو» با تمام شهرتی که دارد و با وجود اینکه در زمره نویسندگان عالیقدر انگلیسی از او یاد می‌کنیم به خوبی و آن چنانکه سزاوار و شایسته بوده شناخته نشده است، و در این مقدمه نیز شاید از عهده چنین کاری بر نیاییم و مقصود از نگاشتن این سطور تنها کوشش ناچیزی به منظور شناساندن شخصیت هنری این نویسنده بزرگ انگلیسی می‌باشد. ارزش آثار برناردشاو از هنگامی شروع می‌شود که او به نوشتن نمایشنامه‌های بی‌مانند خود می‌پردازد؛ نمایشنامه‌هایی که تا آن زمان در ادبیات انگلیسی نشان و اثری از خود نداشتند. شاو بی‌آنکه هراسی به دل راه دهد این نوع کار ادبی را می‌پسندد و راه پراج خود را برمی‌گزیند و یک‌تنه به مبارزه مردم متعصب و خودخواه زمان خود - که تمام ایده‌آل‌های بشری را در دایره منافع خصوصی خود جستجو می‌کنند - می‌رود و با پلیدی‌ها و دورویی‌ها سخت از در ستیز درمی‌آید و بدین پیکار تا مادامی که زنده بود جوانمردانه ادامه داد.

«شاو» قبل از آنکه یک نفر انگلیسی باشد ایرلندی است و از اینرو است که به یکباره در اغلب آثارش آداب و رسوم خشک مردم انگلیس را سخت به مسخره و انتقاد می‌گیرد و بیش از همه به این مردم مغرور و خودخواه که ارزش و تمایز برتری جویانه بی‌مانندی برای خود قایلند نیش و کنایه می‌زند و نشان می‌دهد که در زیر این نقاب‌های به ظاهر نجیب و مهربان چه افکار وحشت‌انگیزی نهفته است.

شاو بی‌آنکه موعظه کند و پسند دهد در تمامی آثار خود حقایق سرسخت و انکارناپذیر جامعه بشری را آنچنان که هست در برابر دید همگان قرار می‌دهد و به عاقبت کار خود نیز نمی‌اندیشد و به قضاوت

مردم نیز کاری ندارد، زیرا او خود را برتر از قضاوت‌هایی که ناشی از خودبینی و تعلقات مذهبی و نژادی و طبقاتی می‌باشد می‌داند. اگر او رغبت و تمایل بیشتری به نمایشنامه‌نویسی از خود نشان می‌دهد به خاطر آن است که در روی صحنه تئاتر بهتر می‌توان کج‌سلیقگی و بیهودگی کار مردم را نشان‌شان داد و به اصطلاح به رخشان کشید. او شخصیت‌هایی را که در پناه القاب و عناوین خود به صورت بت صاحب قدرتی درآمده‌اند بدون واژه به صحنه تئاتر می‌کشد و آنها را آنچنان که هستند نه آنچنان که می‌نمایند با تمام دورنگی‌ها و تذبذب‌ها و زبونی‌هایی که وجودشان سرشار از آن صفات است نشان می‌دهد و آشکار می‌سازد که تا چه پایه این کسانی که سرنوشت انسان‌های بیشماری به دست آنها سپرده شده پایبند و اسیر تمایلات خودپسندانه خویش‌تند و نشانی از فداکاری و از خودگذشتگی نمی‌توان در اعمال آنها سراغ نمود. این فکر را بیش از همه می‌توانید در کتابی که در دست مطالعه دارید جستجو کنید؛ و شاو در قالب کلمات حیرت‌انگیز خود این چنین مردم کوتاه‌نظر را به بازی می‌گیرد و آنها را محکوم می‌نماید.

شاو یک بت‌شکن واقعی است و تمامی اعمالی را که به ساختن بت‌های بزرگ اجتماعی منجر می‌شوند تخطئه می‌نماید و آنها را شدیداً نفی می‌سازد. اگر ما هنوز با آثار و افکار این نویسنده نامدار و شوخ طبع ایرلندی آشنایی نداریم به خاطر آن است که مردم ما متأسفانه پی به ارزش واقعی هنر تئاتر که امروز در جهان مترقی نقش مؤثری را در تنویر و بیداری افکار عمومی ایفا می‌کند نبرده‌اند. ادبیات زبان فارسی هر اندازه که در شعر دامنه‌ای بس وسیع دارد در درام‌نویسی هنوز اندر خم یک کوچه است و به راستی چیزی ندارد که ابراز کند هنر تئاتر نه تنها در میان ما رونقی نیافته، بلکه بیشتر در حال رکود و انحطاط بوده است؛ و نباید به

یکباره گناه را از مردم دانست و آنها را مقصر وانمود کرد، بلکه به تجربه ثابت شده است که با تمام جمود فکری و مشکلات فراوانی که در راه پیشرفت این هنر وجود دارد هرگاه که هنر واقعی تجلی نماید و نمایشنامه‌ای آموزنده و پرازش به روی صحنه درآید، مردم بیش از حد انتظار از آن استقبال نموده‌اند. در این هنگام که پیشرفت ما در این رشته هنر به کندی صورت می‌پذیرد و تعداد تماشاخانه‌ها از شماره انگشتان دست تجاوز نمی‌کند ضروری به نظر می‌رسد که با ترجمه نمایشنامه‌های نویسندگان بزرگ اروپایی که شاید اغلب آنها نیز شهرت خود را مرهون همین رشته ادبی هستند، تا اندازه‌ای به این عقب‌افتادگی‌ها خاتمه بخشید و آگاهانه و با اتکا به آنچه که دیگران طی سالیان متمادی به تجربه فراگرفته‌اند هنر تئاتر را در ایران رواج و رونقی به سزا بخشید و نشان داد که این هنر چه وظیفه بزرگی در قبال فرهنگ و اخلاق جامعه دارد.

شاو هیچگاه به این اکتفا نمی‌کند و تنها به خاطر این دست به قلم نمی‌برد که نمایشنامه‌های خود را به روی صحنه بیاورد، بلکه او با قدرت و مهارتی که در نویسندگی دارد سعی می‌کند برای نمایشنامه‌های خود خوانندگان بیشماری نیز پیدا کند و از همین رو است که اغلب نمایشنامه‌های او در میلیون‌ها نسخه به چاپ می‌رسد و دوستداران فراوانی دارد. زیرا او با تسلط و آشنایی کاملی که بر کار خود دارد آن‌چنان خواننده را مشغول می‌دارد و حالات و روحیات شخصیت‌های اثر خود را مجسم می‌سازد که خواننده به مثابه آنکه از نزدیک اجرای نمایش را مشاهده می‌کند هرگز از مطالعه کتاب هم خسته نمی‌شود و رغبت و اشتیاق به سزایی از خود نشان می‌دهد تا شخصیت‌هایی که او برای نمایشنامه‌های خود برمی‌گزیند هر کدام در قلمرو وظیفه و کاری که بدان‌ها محول شده است — در حالی که متعلق به طبقه خاصی هستند و نمی‌توانند برکنار از

احساسات و خواست‌های طبقاتی خود باشند — افراد ممتاز و برجسته‌ای هستند که شاو بر روی نقاط ضعف اعمال آنها انگشت می‌گذارد و با تمام ادعا و تفاخری که از خود ابراز می‌دارند بی‌رحمانه آنها را هجو می‌کند.

در کتاب حاضر ژاندارک یا ژان مقدس که به عقیده اغلب منتقدین ادبی و کسانی که با آثار این نویسنده بزرگ ایرلندی آشنایی کامل دارند در زمره عالی‌ترین آثار او به شمار می‌آید و می‌توان نبوغ فکری و ارزش هنری آثار این نویسنده عالیقدر و بذله‌گو را جستجو کرد. شخصیت تاریخی ژاندارک و حوادثی که او در برانگیختن آنها نقش مؤثری بر عهده داشته و سرنوشت جانسوز و شومی که او بدان مواجه گشته است چیزی نیست که بتوان آن را به فراموشی سپرد، بلکه تا مادامی که بشریت با رنج و ناکامی و شقاوت و بی‌رحمی روبه‌روست از یادآوری چنین واقعه تاریخی بر خود می‌لرزد و هنوز که هنوز است نمی‌تواند خود را از تکرار چنین حوادث دهشتناکی برحذر دارد.

اگر شاو چنین شخصیت مذهبی و تاریخی را برمی‌گزیند نه از آن نظر است که قدرت مافوق بشری به او بخشد و بت بزرگی از وی بسازد تا در پای او سینه بزند و اشک بریزد، بلکه شاو با واقع‌بینی خاصی که دارد در حالی که ارزشی برای چنین شخصیتی قائل است نمی‌تواند او را برحذر از هرگونه خطا و اشتباهی بداند و همانگونه که امروز مردم عادی می‌پندارند او را مجسم سازد.

در ترجمه این کتاب اگرچه سعی شده مقصود و نظر نویسنده مراعات شود و به اصطلاح ترجمه کتاب اصیل و امین باشد، ولی هرگز به بهانه اصالت ترجمه از آرایش و پرداخت عبارات دوری نجسته و سعی شده است که مقصود نویسنده در قالب کلمات فارسی طوری چیدمان شود که رنگ زبان بیگانه از آن زایل گردد. اما بی‌آنکه ادعایی داشته باشم